



درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: قاعده نفی ظلم

تاریخ: ۱۸ آبان ۱۴۰۴

مصادف با: ۱۸ جمادی الاول ۱۴۴۷

موضوع جزئی: مقدمات - ادله قاعده - دلیل اول: آیات - دسته دوم آیات - آیه اول، دوم، سوم و چهارم -

جلسه: ۱۴

اشکال و پاسخ آن - آیه پنجم - اشکال و پاسخ آن - دسته سوم آیات - آیه اول و دوم -

دسته چهارم آیات

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در ادله قاعده نفی ظلم بود؛ عرض کردیم به طور کلی در قرآن نسبت به عدل الهی در عرصه تکوین، تشریع و جزاء، که هر سه مربوط به خداوند تبارک و تعالی است، آیات متعددی وجود دارد؛ این آیات به حضور عدالت خداوند تبارک و تعالی در این سه عرصه اشاره دارد. ما به سه نمونه مرتبط با این سه عرصه اشاره کردیم؛ به طور کلی عرض کردیم به آیاتی از قرآن می‌توان استناد کرد برای قاعده، البته با مضمون و محتوا و مفادی که در جلسه گذشته اشاره کردیم. آیات قرآن چند دسته هستند:

یک دسته از آیات دلالت می‌کند بر اینکه خداوند تبارک و تعالی به عدل و حق و قسط فرمان می‌راند و امور را تدبیر می‌کند. در جلسه گذشته دو آیه از این دسته را ذکر کردیم.

دسته دوم آیات

دسته دوم، آیاتی است که به طور کلی ظلم را از خداوند نفی می‌کند. در دسته اول، خداوند را عادل معرفی می‌کند؛ در دسته دوم، نفی ظلم از خداوند می‌کند. چند آیه در این دسته می‌توانیم ذکر کنیم؛ البته آیات زیادی هست ولی ما به چند نمونه اشاره می‌کنیم.

آیه اول

«وَلَا يَظْلُمُونَ نَفِيرًا»^۱، به آنها به اندازه گودی و شیباری که پشت هسته خرما هست، ظلم و ستم نمی‌شود. در وسط هسته خرما یک شیباری هست که عمق خیلی کمی دارد، مثلاً در حد یک یا دو میلی‌متر؛ خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید آنها به اندازه عمق این شیار هم مورد ظلم و ستم قرار نمی‌گیرند.

آیه دوم

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ»^۲، خداوند حتی به اندازه یک مثقال از ذره، ستم نمی‌کند.

سؤال:

استاد: در جلسه گذشته هم اشاره کردم؛ نکته‌ای که عرض کردم برای این بود که این شبهه پیش نیاید. بعضی از این آیات مربوط به عالم تکوین و برخی هم مربوط به تشریع و برخی دیگر هم مربوط به جزاء است؛ اینها چطور به بحث ما ارتباط

۱. سوره نساء، آیه ۱۲۴.

۲. سوره نساء، آیه ۴۰.

دارد و قاعده را یاری می‌رساند، این را در ادامه عرض خواهم کرد.

آیه سوم

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا»^۱، خداوند تبارک و تعالی به مردم ظلم و ستم نمی‌کند.

آیه چهارم

«اللَّهُ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا»^۲، خدا هر کسی را بخواهد پاک و تزکیه می‌کند و به اندازه رشته‌ای هم به آنها ستم و ظلم نخواهد شد.

در این آیات، تقریباً نفی ظلم به کمترین مقدار کرده است؛ یعنی می‌گوید ظلم حتی بسیار کم هم از خداوند تبارک و تعالی سر نمی‌زند.

اشکال

ممکن است اینجا اشکالی مطرح شود و آن اینکه این آیات مربوط به يوم الجزاء و کیفر و جزاء الهی در آخرت است و به بحث ما ارتباطی ندارد.

پاسخ

درست است به خصوص نفی ظلم از خداوند در روز قیامت می‌شود، اما مورد موجب تخصیص این آیات به روز قیامت نمی‌شود؛ بلکه خداوند تبارک و تعالی نه تنها در قیامت و آخرت، بلکه در دنیا ظلم و ستم نمی‌کند؛ چه در حوزه تشریع و چه در عالم تکوین. لذا با توجه به پیوستگی این سه عالم با یکدیگر و اینکه خداوند به طور کلی ظلم را از خودش نفی می‌کند، اختصاص را نمی‌توانیم از آن استفاده کنیم؛ اینکه مختص به آخرت یا مختص به عالم تکوین است؛ نه. نفی مطلق ظلم ولو به اندازه بسیار کوچک، قطعاً شامل همه عرصه‌ها و حوزه‌ها می‌شود.

آیه پنجم

«وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ»^۳، اینجا به طور مطلق هر نوع ظلمی را از خداوند نفی کرده است؛ خداوند هیچ ظلمی بر جهانیان را اراده نمی‌کند. این نفی مطلق دلالت بر آن دارد که خداوند تبارک و تعالی به هیچ وجه اهل ظلم و ستم نیست؛ نمی‌توان گفت که خداوند در یک عرصه ظلم نمی‌کند ولی در عرصه دیگر ظلم می‌کند؛ چون نفی مطلق است. این آیه جنس ظلم را نفی می‌کند. در همه اینها، نفی مطلق ظلم، نفی جنس ظلم، نفی کمترین مقدار ظلم مطرح شده است؛ ما مجموع اینها را که با هم ملاحظه می‌کنیم، می‌توانیم بگوییم خداوند نه تنها در آخرت بلکه در حوزه ... تشریع و عالم تکوین هم هیچ ظلمی بر بندگان روا نمی‌دارد.

اشکال

در یک آیه از آیات قرآن، نفی صیغه مبالغه ظلم شده است: «وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ»^۴، خداوند بسیار ظلم‌کننده به بندگان

۱. سوره یونس، آیه ۴۴.

۲. سوره نساء، آیه ۴۹.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۰۸.

۴. سوره حج، آیه ۱۰.

نیست. اینکه بسیار ظلم کننده نیست، معنایش آن است که ممکن است نعوذ بالله خداوند ظلم کم انجام بدهد؟ چون این آیه نفی ظلم بسیار کرده است؛ ممکن است کسی بگوید ظلم غیر کثیر و ظلم معمولی و عادی ممکن است از خدا سر بزند.

پاسخ

این شبهه و سؤالی است که مفسران به آن توجه کرده‌اند و درصدد پاسخ برآمده‌اند. اینجا توجیهاتی را ذکر کرده‌اند؛ از جمله: توجیه اول: چون خداوند تبارک و تعالی بسیار بزرگ و با عظمت است و فعل او دارای آثار گسترده طولی و عرضی است، لذا اگر حتی یک ستم کوچک هم از خداوند تبارک و تعالی سر بزند، با توجه به حیطة تأثیر اراده و فعل الهی، بسیار بزرگ خواهد شد. لذا کوچک‌ترین و کمترین ظلم از ناحیه خداوند مساوی است با ظلم بسیار از ناحیه خداوند.

توجیه دوم: خداوند قادر غنی علیم، اگر ستم و ظلم کند خواه ناخواه ظلام خواهد بود؛ این با انسان فرق می‌کند. چون انسان نیاز دارد، ناتوان است، عالم نیست، ممکن است به خاطر این نقصان‌ها ظلم کند؛ اما خداوندی که علیم و قادر و غنی است، اگر ظلم کند، ظلم او بسیار بزرگ است؛ هر چه موجودی به امور داناتر باشد، طبیعتاً گرفتاری و بار مسئولیت و عقوبت او سنگین‌تر است.

توجیهات دیگر هم اینجا ذکر کرده‌اند. اجمالاً می‌خواهیم عرض کنیم که معنای «وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ» این نیست که خداوند به بندگانش ستم فراوان نمی‌کند اما ستم کم می‌کند؛ هر ستمی ولو ناچیز از سوی خداوند، با این دو نکته‌ای که عرض کردیم تبدیل به ستم بزرگ می‌شود. لذا این در حقیقت نفی هرگونه ستم از خداوند تبارک و تعالی است.

بنابراین دسته دوم از آیات، دلالت بر نفی ظلم از ساحت قدس ربوبی دارد؛ چه در عالم تکوین و چه در عالم تشریع و چه در روز جزاء.

دسته سوم آیات

دسته سوم، آیاتی است که به عدل و عدالت و احسان دستور داده و از ستم و ظلم نهی کرده است. برخی از آیات قرآن مردم را امر به احسان و عدل کرده است.

آیه اول

یکی همان آیه‌ای است که در جلسه گذشته خواندیم: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۱. یک سؤال هم مطرح شد و آن اینکه قسط و عدل که به عنوان غایت و هدف ارسال رسل و انزال کتب ذکر شده، چگونه دلالت می‌کند بر اینکه خداوند ظلم نمی‌کند؟ این را توضیح دادیم و گفتیم خداوند تبارک و تعالی که امر به عدالت و احسان می‌کند، نمی‌تواند خودش به عدل رفتار نکند یا ظالمانه و از روی ستم کاری را انجام بدهد.

آیه دوم

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»^۲، خداوند به عدل و احسان امر می‌کند؛ خداوندی که امر به عدالت و احسان می‌کند، امکان ندارد که خودش اهل ظلم و ستم باشد. خداوند هدف از ارسال رسل و انزال کتب را قسط و عدل ذکر کرده و فرموده می‌خواهیم قسط و عدل بر زندگی انسان حاکم شود؛ آن وقت

۱. سوره حدید، آیه ۲۵.

۲. سوره نحل، آیه ۹۰.

او که دستورات و تشریع او بر این مبنا بوده، چطور می‌تواند خودش ظالم باشد و خدای نکرده پا را از جاده عدل بیرون بگذارد؟

بنابراین دلالت آیه بر عدل الهی در عرصه تشریع، بالالتزام است؛ چون امر به عدل می‌کند و این لازمه‌اش آن است که خودش هم به عدالت رفتار کند.

دسته چهارم آیات

دسته چهارم، آیاتی است که به صورت کلی، ریشه‌های ظلم و ستم را از خداوند تبارک و تعالی نفی می‌کند. چون ظلم، یا ناشی از جهل است یا ترس؛ کسی که می‌ترسد، ظلم می‌کند؛ کسی که جهالت دارد، ظلم می‌کند؛ کسی که نادان و جاهل است، ظلم می‌کند. امکان ندارد کسی به معنای حقیقی کلمه عالم باشد و ظلم کند. وقتی این اسباب و عوامل و ریشه‌ها از خداوند تبارک و تعالی نفی شد، خود به خود ظلم هم منتفی می‌شود؛ چون ظلم احتیاج به اسباب و علل دارد. وقتی این اسباب و علل در خدا وجود نداشته باشد، خود به خود معلول و مسبب (ظلم) هم تحقق پیدا نمی‌کند.

آیات دیگری هم می‌تواند مورد استناد قرار بگیرد؛ ما به صورت خیلی خلاصه برخی آیات را ذکر کردیم که به طور کلی ظلم را از خداوند تبارک و تعالی نفی می‌کند؛ گرچه ما به نفی ظلم در عالم تکوین خیلی کار نداریم، ولی همانطور که عرض کردم تطابق این امور با اهم اقتضا می‌کند که در عالم تشریع هم همینطور باشد.

به هر حال خداوند در مقام قانون‌گذاری، ظلم نکرده و نمی‌کند؛ معنای این سخن آن است که خداوند هیچ حکمی که ظالمانه باشد را جعل نکرده است. این صرف نظر از آن است که ما ظلم و عدل را بفهمیم یا نه؛ این را می‌توانیم ادعا کنیم که خداوند تبارک و تعالی هیچ حکم ظالمانه‌ای جعل نکرده است، حتی لمصلحة. وقتی می‌گوییم ظلم قبیح و حرام است، به اعتبار حرمت و قبح ذاتی ظلم نمی‌تواند تحت یک شرایط و مصالحی جایز شود و از قبح خارج شود. بله، یک وقت در تراحم و دوران بین دو مصلحت یا یک مفسده بزرگ و بزرگتر، عقل ما حکم می‌کند به آن چیزی که مصلحت دارد یا آن چیزی که مفسده کمتری دارد، که این مسئله دیگری است؛ اما به طور کلی خداوند تبارک و تعالی به هیچ وجه در حوزه قانون‌گذاری و تشریع، حکم ظالمانه جعل نمی‌کند. اینکه در روز جزاء هم قضاوت و حکم ظالمانه نمی‌کند، این به جای خودش؛ اینکه در این عالم هم به ظلم حکم نمی‌کند، این هم به جای خودش. ولی عمده این است که در عرصه تشریع که فعل خود خداوند است، به استناد این آیات به طور قاطعانه می‌توانیم بگوییم که خداوند اهل ظلم نیست. اینکه ظلم چگونه تشخیص داده می‌شود و معیار آن چیست و تعیین مصداق آن چگونه صورت می‌گیرد، این بحث دیگری است.

سؤال:

استاد: وقتی در مقایسه با یک عنوان دیگری قرار می‌گیرد، عنوان ظلم از آن برداشته می‌شود. ... در مسئله ترس و اینکه عده‌ای را سپر انسانی کنند برای اینکه خودشان را حفظ کنند؛ فرض کنید کفار عده‌ای از مسلمین را سپر کنند تا جلوی تهاجم مسلمین را بگیرند و خودشان را از شکست نجات بدهند؛ آیا اگر اینجا حکم به قتل این اشخاص داده می‌شود در حالی که هیچ راه دیگری وجود ندارد، این ظلم به آنها محسوب می‌شود؟ عرض کردم که در مقیاس کلان نه؛ بلکه این عین عدل نسبت به جامعه بشری است. نجات دادن جامعه بشری از کافران حربی، خودش عین عدل است. بله، ممکن است در این راه هزینه‌هایی داده شود؛ بالاخره جنگ و جهاد است. اما ظلم با عنوان ظلم بودن بما آنه ظلم، هیچ‌گاه مجاز نخواهد شد. ما هنوز به

استنباط نرسیده‌ایم؛ الان به طور کلی می‌گوییم خداوند تبارک و تعالی هیچ حکم ظالمانه‌ای تشریع نکرده است. خداوند به عنوان شارع، هیچ حکم ظالمانه‌ای جعل نمی‌کند؛ دلیل آن چیست؟ همین آیاتی که اشاره کردیم. امکان ندارد که خداوند حکم ظالمانه جعل کند؛ آن هم با اطلاقی که این آیات دارد و شمولی که نسبت به هر سه عرصه دارد. الان فقط یک عرصه مدنظر ما نیست بلکه می‌گوییم در عالم تکوین این چنین است، در عالم تشریع اینطور است و روز قیامت هم همینطور. حالا تفسیرها مختلف است؛ یکی می‌گوید آنچه که خدا تشریع کند عین عدل است و یکی هم می‌گوید خدا باید به عدل تشریع کند. این را کار نداریم؛ ولی به هر حال این آیات دلالت می‌کند بر اینکه امکان ندارد که خداوند تبارک و تعالی در مقام تشریع حکم ظالمانه جعل کند. ظلم بما أنه ظلم همیشه قبیح است. بله، یک وقت یک عنوانی عارض می‌شود که در واقع ظلم محسوب نمی‌شود؛ این بحث دیگری است.

بنابراین اجمالاً می‌توانیم به این آیات استناد کنیم و بگوییم ظلم از ساحت مقدس خداوند تبارک و تعالی دور است. مفاد قاعده این بود که گفتیم هیچ حکم ظالمانه‌ای نزد خداوند مشروع نیست؛ خداوند هیچ حکم ظالمانه‌ای جعل نکرده است؛ در شریعت هیچ حکم ظالمانه‌ای وجود ندارد. این آیات به وضوح این را اثبات می‌کند. بله، اینکه ما وقتی می‌خواهیم استنباط کنیم، ملاک عدالت را باید در نظر بگیریم و با این ملاک به استنباط بپردازیم در کنار سایر ملاک‌ها و معیارها، این بحث دیگری دارد که باید بعد از این مرحله به آن بپردازیم. ادله دیگری هم اینجا هست که باید آنها را هم بررسی کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»